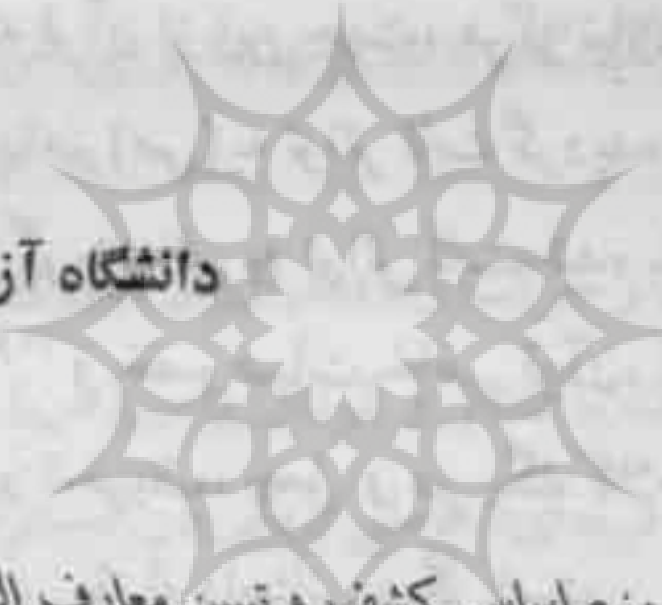


در این مقاله به بررسی جایگاه و مبانی نقد متن در علوم حدیث پرداخته می‌شود. در ابتدا به اهمیت حدیث در اسلام و نقش آن در تبیین معارف الهی اشاره می‌گردد. سپس به بررسی مبانی علمی و فقهی نقد حدیث پرداخته می‌شود. در ادامه به روش‌های مختلف نقد حدیث و همچنین به چالش‌ها و موانع این فرآیند اشاره می‌گردد. در پایان نیز به اهمیت این پژوهش در ارتقای سطح علمی و فقهی جامعه اسلامی اشاره می‌گردد.

جایگاه و مبانی نقد متن در علوم حدیث

داوود معماری

دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار



چکیده

سنت معصومین (ع)، دومین منبع اساسی کشف و تبیین معارف الهی دین اسلام، امروزه و در عصر غیبت، در مجموعه‌های روایی برای ما به یادگار مانده است و از آنجا که در گذر زمان به دلایل گوناگون از تغییر و تحریف برکنار نمانده و بهره‌برداری از آن نیز در تبیین ارزشها و احکام دین، نیاز به تحلیل و تشریح فنی و عالمانه دارد، نقد و ارزیابی روایات، شیوه و سیره مستمر دانشمندان اسلامی بویژه اندیشوران شیعی بوده است و برخلاف آنچه که مشهور است، تنها به نقد خارجی و ارزیابی اسنادی آنها اکتفاء نکرده، بلکه با بهره‌گیری از رهنمودهای قرآن کریم، ارشادات معصومین (ع)، براهین عقلی و روشهای علمی به نقد و تحلیل متون احادیث نیز توجهی در خور و بایسته داشته‌اند.

تبیین اصل صدور حدیث و کشف روایات جعلی و ساختگی، تبیین و کشف جهت و مورد صدور حدیث و کشف دلالت الفاظ و عبارات حدیث، مهمترین مراحل نقد متن است.

حدیثی که با مبانی و ملاکهای صدور خبر از معصوم (ع) هماهنگ و در مقام تشریح حکم و یا ارزشهای الهی بیان شده، تحریفات لفظی و معنوی از آن زدوده گردیده و مفاهیم الفاظ و عبارات آن با موازین علمی تحلیل و تشریح شده باشد، حجت، قابل استناد و در تبیین علوم و معارف اسلامی، ابزاری کارساز و کارآمد خواهد بود. این مقاله تنها به جایگاه و چگونگی نقل متون روایی در علوم سه‌گانه حدیث یعنی علم رجا، درایة و فقه الحدیث می‌پردازد.

۱ - تعریف موضوع

آیا نقد متن و چگونگی آن می‌تواند به عنوان موضوعی مستقل در علم الحدیث مطرح گردد و جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص دهد؟! و چگونه می‌توان مبانی، روشها و حدود آن را مشخص و تبیین نمود؟

قبل از هر چیز باید به این نکته اشارتی داشت که علوم شرعی اسلامی باید مستند و متکی به وحی الهی یعنی قرآن کریم و سنت معصومین (ع) باشند و از آن جا که شناخت قرآن و سنت از طریق نقل ممکن و میسر است. پس این علوم در زمره علوم نقلی جای خواهند داشت و لازمه اعتماد به علوم نقلی، صحت منقولاتی است که این علوم بدانها مستند هستند. پر واضح است که قرآن از این جهت، هرگز نیازی به نقد و بررسی نخواهد داشت، زیرا صحت استناد آن به پیامبر (ص) به تواتر ثابت گردیده است و به اجماع و اتفاق دانشوران، گفتاری که اتصال آن به گوینده‌اش به تواتر ثابت شده باشد، قطعی الصدور خواهد بود. ضمانت و حفاظت الهی^(۱) و خصوصیات خاص قرآن، آن را در چنان اوجی از فرازمندی قرار داده است که تغییر و تحریف، جعل و در یک کلام، باطل را به هیچ روی در آن راه نیست.^(۲) اما سنت را در این مقوله داستانی دیگر است.

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱-۱- گسترش احادیث دروغین

همزمان با حیات پیامبر (ص)، بویژه در دوران ده ساله مدینه که اشتیاق مردم بر استماع و فراگیری هدایتهای آن محرم بارگاه قدس فزونی یافته بود، کسانی خواسته یا ناخواسته گفتار او را تحریف می‌کردند، و یا ناگفته‌هایی و نا کرده‌هایی را بدو نسبت می‌دادند، آنچنان که بنا به نقل امیر المؤمنین (ع) در نهج البلاغه، پیامبر (ص) خود در این مورد هشدار داد: «زیاده بر من دروغ می‌بندند، هر کس دانسته دروغی را به من نسبت دهد، جایگاهش از آتش پر خواهد شد»^(۳)، اما در مقابل نقل صحیح و دقیق سخنان و سنت خویش را تشویق می‌کرد، آنچنان که

۱- انا نحن نزلنا الذكر و انا له لحافظون، سوره حجر (۱۵)، آیه ۹

۲- «لا یاتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه» سوره فصلت (۴۱)، آیه ۴۲

۳- «ایها الناس قد کثرت علی الکذا به فمن کذب علی متعمدا فلیتبوء مقعده من النار»، فیض الاسلام، علی نقی،

در نوبتی فرمود: «هر کس سخن مرا بشنود و آن را بفهمد و حفظ کند و برای ناشنیده نقل نماید، خدایش سر سبز دارد»^(۱).
 بعد از عروج آن نفس مطمئنه «الی الرفیق الاعلی»، نادیده گرفتن سفارشها او در بزرگداشت اهل بیت (ع) و پیروی از آنها و نیز بازداشتن نو دولتان از نوشتن و حتی نقل احادیثش تا قرنی،^(۲) راه، را بر جعل، وضع، تحریف، وهم، نقل به معنی و آفات دیگری بر حدیث باز نمود و ضربات جبران ناپذیری بر اعتبار سنت وارد ساخت.
 اما در این بین، علی (ع)، اهل بیت او، کسانی که براستی حرمت «ثقلین» را پاس داشتند و چندی دیگر این نهی حکومتی را به چیزی نگرفتند و به نگارش و تدوین و تعلیم شریف او ادامه دادند و آثاری بس ارزنده برای آیندگان به جای نهادند و این خود امتیازی در خور برای حدیث شیعه است.

با فاصله گرفتن از عصر نبوی و حرکت زمامداران در مسیری خلاف سنت او و ورود ملتها و مردمی به اسلام که از نزدیک با گفتار و کردار پیامبر (ص) آشنا نبودند، رقابتهای سیاسی و مذهبی، فرقه‌ای، قومی و قبیله‌ای، عاملی دیگر در گسترش احادیث ساختگی گردید.^(۳)

احترام و بزرگداشت ناقلان حدیث از طرف عموم مردم، عده‌ای جاه طلب را به جعل حدیث وا داشت.^(۴) سهو، نسیان و نقل شفاهی و سینه به سینه احادیث، تحریف و دگرگونی

نهج البلاغه چاپ دوم، تهران، مؤلف، ۱۳۵۱، ص ۶۶۵، و نیز، محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، چاپ سوم، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳، ص ۸۰، و «حدیث تکذیب» از نادر احادیثی است که به اجماع دانشمندان متواتر است زیرا شصت و دو و بنابر قولی صد تن از صحابه آن را روایت کرده‌اند.

۱- «نصر الله امره سمع مقالته فوعاها ثم بلغها الی من لم یسمعها» این حدیث به الفاظ گوناگونی روایت شده است.

محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار جلد ۱، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۰، ص ۱۰۹.

۲- علی اکبر، غفاری، تلخیص مقیاس الهدایه، چاپ اول، تهران، جامعه الامام صادق، ۱۳۶۹، ص ۱۸۵.

۳- محمود، ابوریثه، اضواء علی السنة المحمدیه، چاپ سوم، قم، دارالکتب العلمیه، بی تا، ص ۱۲۶.

۴- کاظم، مدیر شانه چی، علم الحدیث، چاپ سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۱۰۱.

بسیاری از مرویات را به دنبال داشت. (۱) و قصاص و کاسبکاران نقل مطالب واهی خود را در قالب احادیث در میان توده عوام مردم مقبولتر می‌یافتند. (۲) دشمنان قسم خورده اسلام و در رأس آنها، یهودیانی عنود، که از رود رویی مستقیم طرفی نبسته بودند، با پنهان شدن در پرده نفاق، به گسترش اسرائیلیات و خرافات خود در قالب قصص انبیاء و روایات پرداختند. (۳)

تأسف بارتر از همه اینها، زاهدان و عابدانی بودند که فقدان بصیرت، این دوستان نادان را به زعم باطل خویش «قربة الی الله» به جعل حدیث واداشته بود، دهها و بلکه صدها حدیث ساختگی در فضایل قراءت سور قرآن و ترغیب به انجام سنن و مستحبات، میراث آن جاهلان متسک برای جامعه اسلامی است. (۴)

خصوصیات برجسته ائمه معصومین (ع)، نیز عده‌ای نادان و یا مغرض را به غلو و زیاده‌گویی در حق آنها واداشت و حریم احادیث شیعه را در مقابل بیگانگان و مخالفان ضربه پذیر ساخت. (۵) تمسک شیعه به جبل متین اهل بیت (ع) و حضور آن بزرگواران تا آستانه تدوین جوامع بزرگ روایی، اگر چه حدیث این فرقه را در مقایسه با احادیث جوامع روایی اهل سنت، از سلامت قابل توجه‌ای برخوردار ساخته است اما آفاقی که ذکر آن رفت، خواه، ناخواه، مانند میهمانانی ناخوانده و نامیمون به حریم روایات شیعی نیز راه یافت. (۶)

۲ - ۱ - متون صحیح، اما قابل نقد

بسیاری از منقولات روایی، اگر چه دارای سند یا اسناد روشنی هستند و صدور آنها از ناحیه معصوم (ع) مسلم است، به دلایلی مانند تعارض با دیگر اخبار، تشابه در معنی، احتمال تقلید یا نسخ، موقعیت خاص صدور حدیث از نظر مکانی، زمانی یا اشخاص و یا نقل به معنی

۲ - همان، ص ۱۰۶.

۱ - همان، ص ۱۰.

۴ - همان، ص ۱۰۱.

۳ - همان، ص ۱۰۰.

۵ - مجید، معارف، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، چاپ اول تهران، مؤسسه فرهنگی و هنری ضریح، ۱۳۷۴.

۶ - ر.ک: همان، ص ۳۱۳ - ۳۵۱.

ص ۲۹۴ - ۳۱۳.

در مفهوم روایت، بدون نقد متون قابل استناد و دارای حجیت نیستند.^(۱) مضاف بر اینها، جو پر اضطراب و آشوب و خفقان آوری که بعد از رحلت پیامبر (ص)، بر ضد اهل بیت (ع) و پیروان آنها ایجاد و رفته رفته تشدید گردید، ائمه معصومین (ع) را گاه و بیگاه در ستار تقیه فرو می برد، آنچنان که بارها برای حفظ کیان شیعه و یا مصلحت خود و پیروانشان بر خلاف عقیده خود سخنی می گفتند و یا موافق مفتیان و قاضیان نظام حاکم فتوایی صادر می کردند^(۲) و البته دوستان را از این امر آگاه و آنها را از پذیرش و یا عمل به آن اخبار بر حذر می داشتند، روشن است که این چنین احادیثی هر چند اسنادی صحیح داشته باشند و در جوامع روایی معتبر هم نقل شده باشند، قابل استناد و یا عمل نیستند و باید مورد نقد فنی قرار گیرند.

اکنون، اگر این امر بدیهی و مسلم را بپذیریم که روایات برای شناسایی مقبول و مردود و میزان اعتبار و حجیت آنها، نیازمند بررسی و تحقیق هستند، این حقیقت نیز روشن خواهد شد که این امر نیازمند قواعد و ضوابط، ملاکها و روشهای منظم و دقیقی برای نقد صحیح و فنی روایات است و البته مسلمین و بویژه شیعه در طول تاریخ به این مهم توجهی در خور داشته اند.

مسلمین و مقدم بر همه شیعه از دوران اولیه جمع و تدوین حدیث به نقد سند اهتمام فراوانی داشته اند، روات را از نظر عدالت و وثاقت در گفتار و نیز از نظر ضبط و میزان حافظه و هوش مورد دقت و موشکافی قرار داده اند و روایان احادیث را با در نظر گرفتن این ملاکها، تعدیل، تجریح، توثیق یا تضعیف نموده اند و در زمانهای بعدی هنگامی که حلقات اسناد رو به فزونی نهاد. در مورد اتصال یا انقطاع آنها نیز به بحث و بررسی پرداختند. مبادا نام یک یا چند راوی از اسناد روایت افتاده باشد و چنانچه آن راوی ساقط شده از سند غیر عادل یا غیر ضابط بوده باشد، مسلماً در صحت خبر، خدشه وارد خواهد شد.^(۳) بدون تردید در کنار پرداختن به «نقد اسنادی» توجه دقیق به نقد مرویات و الفاظ و

۲- همان، ص ۲۶۳.

۱- علی اکبر، غفاری، پیشین، ص ۲۴۲.

۳- کاظم، مدیر شانه چی، پیشین، ص ۱۳۱ - ۱۴۳.

جملات حدیث و بررسی میزان صحت، حجیت و دلالت مفهوم آنها، امری ضروری و لازم است، زیرا آن چنان که آورده شد، گاهی مفهوم حدیث به گونه‌ای است که علی‌رغم صحت سند، صدور آن از معصوم، معقول و متصور نیست و یا در عین صحت سند و متن، قابل استناد و یا مستغنی از نقد متن نمی‌باشد. بررسی و نقد حدیث از این دیدگاه را اصطلاحاً «نقد متن» نامیده‌اند.^(۱)

۲- تعریف واژه‌ها و اصطلاحات اساسی موضوع

- ۱- «مبانی»^(۲): مراد از مبانی در این موضوع، کلیه اصول، ملاکها و روشهایی است که باید برای نقد و ارزیابی صحت، حجیت و دلالت متون روایی در نظر گرفته شود.
- ۲- «نقد»^(۳): این واژه در این تحقیق، الزماً به معنی انتقاد منفی و عاملی در رد و تضعیف احادیث نیست. بلکه، مراد از نقد در این جا ارزیابی و بررسی عالمانه متون روایی برای اثبات صحت و یا عدم صحت انتساب آن به معصوم (ع)، اثبات حجیت و یا عدم حجیت آن و نیز بررسی چگونگی دلالت متن حدیث و کشف مراد واقعی معصوم (ع) از آن است. لازم به ذکر است که محققان در نقد مرویات تاریخی دو شیوه را در پیش روی دارند، «نقد خارجی»^(۴) و نقد داخلی^(۵).
- «نقد خارجی» یا «نقد اسنادی» یعنی بررسی و ارزیابی کیفیت سند و چگونگی حال راویان مذکور در آن، از نظر وثاقت، عدالت و ضبط و نیز بررسی اتصال یا عدم اتصال سند به معصوم (ع) که دو علم مهم «رجال» و «مصطلح الحدیث» عهده دار آن بوده و به شایستگی نیز از عهده بر آمده‌اند.
- و اما نقد داخلی یا نقد متن یعنی بررسی و ارزیابی کلمات و جملات حدیث که به نقل

۱- صلاح الدین بن احمد، ادلیبی، منهج نقد المتن عند علماء الحدیث النبوی، چاپ اول، بیروت، منشورات دار

الافاق الجدیدة، ۱۴۰۳ هجری، ۱۹۸۳ میلادی، ص ۱۰.

2- Fundamentals

3- Critique

4- Externalcriticism

5- Internalcriticism

از راویان، حاکی از سنت معصوم (ع) می باشد. در این روش، فارغ از نقد اسناد و جدای از آن، برای اثبات صحت یا عدم صحت انتساب حدیث به معصوم (ع)، حجیت یا عدم آن یا بررسی و کشف مفهوم واقعی حدیث و مراد معصوم (ع) از آن، به نقد و ارزیابی متون و نصوص روایی پرداخته می شود، زیرا چه بسا روایاتی که از نظر سند صحیح و قابل اطمینان، روایان همه مورد تصدیق و توثیق محققان «علم رجال» و اسنادشان متصل به معصوم (ع)، که از نظر متن خالی از خلل و مستغنی از نقد نیستند.

محدثان عموماً در مقابل اصطلاحات نقد خارجی و نقد داخلی که از طرف مورخین وضع شده اند، دو اصطلاح نقد اسناد و نقد متن را به کار گرفته اند و حدیثی را از نظر متن محکوم به صحت باشد، «صحیح المتن» و حدیثی را که شرایط صحت از هر دو جهت را داشته باشد «صحیح الاسناد - صحیح المتن» و یا به طور مطلق «صحیح» نامیده اند.^(۱)

۴ - «متن»: غالباً احادیث در کتب و جوامع روایی از دو قسمت تشکیل شده اند، سند یا طریق متن، همان راویان و ناقلانی هستند که متن حدیث را از صاحب آن (معصوم «ع») تا فردی که آن را تدوین نموده، هر یک از راوی قبل از خود اخذ و به راوی بعد نقل کرده است و متن کلامی است که معنای حدیث وابسته بدان و از جانب آخرین راوی سلسله سند به معصوم (ع) نسبت داده شده است.^(۲)

۵ - «علوم حدیث»: علوم حدیث، در نگاهی کلی به سه شاخه اصلی تقسیم می شوند:

۱ - علم رجال

۲ - درایه یا مصطلح الحدیث

۳ - فقه الحدیث

حضور مستمر ائمه معصومین (ع) در دوران سماع و فراگیری حدیث و ارشاد و نظارت آنان در تدوین اصول اولیه روایی و دقت نظر و وسواس عالمانه محدثان گرانقدر امامیه در تدوین جوامع بزرگ حدیثی، متون احادیث شیعه را از ارزش و اعتبار لازم و

۱ - صلاح الدین بن احمد، ادلی، پیشین، ص ۳۳.

۲ - کاظم، مدیر شانه چی، پیشین، ص ۶ - ۷.

شایسته خود، برخوردار ساخت و این امر بر هر صاحب بصیرتی که دستی در فنون حدیث و بهره‌ای از انصاف داشته باشد، پوشیده و پنهان نیست.

اما در دوران بعد با پیدایش و گسترش علوم حدیثی، گامی بلندتر در نقد حدیث، پیرایش، پالایش، تبیین و تفسیر آن برداشته شد.

ما در این جا در صدد بیان تاریخ این علوم و چگونگی گسترش آن در میان شیعه نیستیم، بلکه مختصراً به تبیین نقش این علوم در ابداع و توسعه مبانی، ملاکها و روشهای نقد متن حدیث خواهیم پرداخت و گوشه‌ای از کوششها و مجاهدتهای علمی اندیشوران این عرصه‌ها را در تهذیب و تحقیق متون احادیث به تحریر خواهیم کشید.

۳ - پیوستگی نقد سند و نقد متن در علم رجال

علم رجال: علمی است که به شناسایی راویان حدیث، احوال آنان و اوصافی که تأثیری در قبول و رد سخنانشان دارد، می‌پردازد.^(۱) تردیدی نیست که محور اصلی علم رجال نقد اسنادی روایات و اهتمام دانشمندان این عرصه بیشتر به بررسی و پژوهش در مورد ناقلان احادیث و چگونگی احوال و اوصاف آنان و میزان اعتماد به اقوالشان، بوده است، اما آیا نقد اسنادی با نقد متنی ارتباط و پیوستگی دارد؟ و آیا برای نقد متن نیز می‌توان جایگاهی در علم رجال یافت؟! *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

در بدو امر این چنین به نظر می‌رسد که نقد سند و نقد متن دو مقوله جدا از هم و بدون ارتباط و پیوستگی هستند و هر کدام باید در جای خویش، جدا مورد بررسی قرار گیرد، اما قدری دقت نظر این امر را نمایان می‌سازد که نقد سند و متن نه تنها از هم جدا نیستند، بلکه ارتباط تنگاتنگ آنها، بررسی و نقد همزمان هر دو را لازم و ضروری ساخته است و این حقیقت از نگاه تیزبین رجالیون نقاد شیعه برکنار نبوده است.

نقد خارجی و اسناد روایات در علم رجال ارتباطی محکم و نزدیک با نقد متن آنها دارد، زیرا اثبات عدالت، وثاقت و ضبط راویان، بهترین دلیلی برای اطمینان به مرویات آنهاست و بر عکس اثبات فسق، وهم و کذب ناقلان روایات قرینه‌ای روشن بر ضعف

۱ - آقا بزرگ، تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۰، قم، مؤسسه اسماعیلیان، بی تا، ص ۱۸۳.

منقولاتشان است.

بعلاوه دانشمندان علم رجال گاهی با دقت نظر در مرویات و منقولات یک راوی بر له یا علیه او حکم می‌کنند، یعنی همان‌گونه که گاهی با نقد خارجی و عللی مانند فسق، ابتداع، غفلت، اختلاط، یا کثرت خطاء یک راوی را جرح می‌کنند، گاهی نیز به سبب دوری مرویاتش از نور روایات معصومین (ع)، او را مجروح می‌سازند،^(۱) مانند کتاب «الاشباح و الاظلة» منسوب به محمد بن سنان که شیخ مفید با استناد به متون و محتوای این کتاب و متهم نمودن مؤلفش به غلو و انحراف، آن را رد و فاقد اعتبار اعلام می‌کند.^(۲)

البته باید گفت یک راوی به صرف نقد متن روایتش از طرف رجالیون تضعیف نمی‌شود. مگر این که قرائنی به عمدی بودن آن گواهی کند یا وقوع وهم و خطاء در مرویاتش زیاد دیده شود.

ضابطه دیگر دانشمندان علم رجال در شناسایی راویان و میزان وثاقت یا عدم وثاقت آنها که ارتباط مستقیمی با نقد متن حدیث دارد، عرضه مرویات آنها بر روایات راویان ثقه و ضابط است، بگونه‌ای که اگر خبر یک راوی با روایات افراد ثقه، ضابط و مورد تأیید رجالیون موافق و هماهنگ باشد، از نظر مفهوم و معنی، و بندرت با مضامین روایات آنها مخالفت و ناهماهنگی داشته باشد او را به عنوان یک راوی ضابط و ثقه می‌شناسند ولی در مقابل اگر اکثراً مرویاتش با روایات ثقه و ضابط مخالف بود، مورد جرح قرار می‌گیرد و به روایاتش احتجاج نمی‌شود.^(۳)

از طرف دیگر، اهتمام دانشمندان علم رجال به شناخت مذهب و نحله راویان و دقت در مضامین مرویات آنها با توجه به این امر، گواه روشن دیگری بر ارتباط مستقیم نقد اسنادی با نقد متن در علم رجال است، زیرا ظهور فرق مختلف سیاسی و مذهبی و شیوع بدع و اختلاف فراوان بین مسلمین، افراد و گروه‌های گوناگون برای موجه جلوه دادن افکار و اعمال خود و غلبه یافتن بر رقباء به نقل و نشر اکاذیبی در پوشش روایات پرداختند، لذا شناخت

۱ - محمد باقر، بهبودی، معرفة الحدیث، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۷۲ - ۷۱.

۲ - همان، ص ۴۲. ۳ - همان، ص ۷۴.

مذهب، عقیده و نحله راویان برای دانشمندان علم رجال اهمیت ویژه‌ای یافت، زیرا هماهنگی و موافقت متن روایت افراد فرق متبذعه با عقاید و افکار و سیاستهایشان، آن را از درجه اعتبار ساقط و راوی آن را در نقل آن، تضعیف می‌کند.^(۱)

از نمونه‌های دو مورد اخیر می‌توان به رهنمود امام عسکری (ع) در مورد چگونگی برخورد با روایات و کتب بنی فصال اشاره نمود: «خذوا ما رووا و ذروا ما راوا» آنچه را که از ما روایت کرده‌اند - و هماهنگ با روایات راویان ثقه و احادیث مشهور مکتب اهل بیت (ع) است بپذیرید - و آنچه را که بعد از انحراف - به رأی و نظر خویش اظهار داشته و به ما نسبت داده‌اند و با روایات راویان ثقه و احادیث مشهور اهل بیت (ع) ناهمخوان است رها سازید و نیز به همین دلیل محدثان شیعه به روایات امثال ابو الخطاب محمد بن ابی زینب و احمد بن هلال عبرتایی و ابن ابی العزاقر و مانند آنها در حال استقامتشان احتجاج و روایات منقول آنها را در هنگام تخلیط و انحرافشان رد می‌نمایند و این امر جز با تطبیق روایات آنها با روایات راویان ثقه ممکن نیست.^(۲)

در این جا مسأله بسیار مهمی که دلالت بر دقت نظر محدثین و دانشمندان علم رجال در نقد حدیث دارد این است که از دیدگاه ایشان ضعف سند الزاماً موجب ضعف متن حدیث نیست، همچنان که از صحّت سند نیز، صحّت متن دانسته نمی‌شود، پس گاهی در عین ضعف سند حدیثی، متن آن را صحیح می‌دانند، زیرا مضمون آن از طرق دیگری نقل شده است و گاهی نیز علی رغم صحّت سند، متن آن را به علت شذوذ یا علتی، صحیح نمی‌دانند، به همین دلیل تصریح کرده‌اند که، هنگامی که حدیثی با سند ضعیفی دیده شود، باید گفت: این حدیث با این سند، ضعیف است و نباید آن را بطور مطلق ضعیف نامید، آن چنان که برخی از غیر متبحرین در حدیث با مشاهده ضعف سند، متن آن را نیز ضعیف می‌انگارند، زیرا گاهی ممکن است حدیثی با سند ضعیف با اسناد دیگری روایت شده باشد، لذا باید صدور حکم ضعیف نسبت به حدیثی حتماً از طرف بزرگان و دانشمندان باشد که عدم صدور حدیث از

۱ - همان، ص ۹۷ - ۹۶.

۲ - همان، ص ۹۶ و علی اکبر، پیشین، ص ۸۹ - ۸۸.

طرق دیگر بر آنها ثابت شده باشد.^(۱)

از صحت یا عدم صحت سند و متن حدیث و ارتباط آنها با یکدیگر چهار حالت قابل تصور است:

- ۱- در صورتی که سند و متن هر دو صحیح باشند، حکم به صحت حدیث می‌شود.
- ۲- در صورتی که سند و متن هر دو غیر صحیح باشند، حکم به عدم صحت حدیث می‌شود.
- ۳- در صورتی که سند حدیث، صحیح ولی متن آن غیر صحیح باشد، حکم به عدم صحت آن می‌گردد.
- ۴- در صورتی که متن حدیث صحیح ولی سند آن غیر صحیح باشد، حکم به عدم صحت آن می‌گردد.

سبب اصلی عدم تلازم بین صحت سند و متن از دیدگاه محدثین و رجالیون، احتمال خطا و نسیان از طرف افراد ثقه در نقل برخی از اخبار و نیز احتمال صدق و راستگویی از طرف افراد کذاب و غیر موثق در پاره‌ای از موارد است و باید گفت که این احتمالات، منطقی، عقلانی و ممکن الوقوع هستند، آن چنان که موارد متعددی از آنها در کتب رجال مضبوط است، البته اگر خبر ثقه، محفوظ به قرائن صحت و وثوق باشد، قابل اطمینان و پذیرفتنی است و نیز اگر خبر فرد کذاب محفوظ به قرائن کذب باشد، مردود خواهد بود.^(۲) این مختصر، نشان می‌دهد که در علم رجال، علی‌رغم اشتها آن به نقد سند و بررسی احوال راویان، ارتباط زیادی بین نقد اسنادی و متنی وجود دارد و دانشمندان این عرصه نیز سهم بسزایی در تهذیب متون روایی دارند.

ارتباط وثیق بین نقد سند و نقد متن از نگاه تیزبین دیگر منتقدان شیعه نیز برکنار نبوده است.

علامه طباطبایی در نقد نظر برخی از افراد که با مشاهده کوچکترین نشانه تعارض

۱- محمد باقر، میرداماد، الرواشح السماویه، ج ۱، قم، منشورات مکتبه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ ه. ق،

ص ۲۰۳.

۲- صلاح الدین، ادلیبی، پیشین، ص ۱۱۶.

اخبار را به کنار می‌نهند، می‌گویند: این گونه تعارضات ظاهری موجب طرح و طرد این اخبار نمی‌شود، مگر آن که مضمون آنها مخالف کتاب خدا یا سنت قطعی باشد و بوی جعل و کذب از آنها استشمام شود، همچنان که در اصول دین چیزی جز کتاب و سنت قطعی حجیت ندارد، پس اخباری مقبول و مورد اعتمادند که موافق کتاب و سنت قطعی باشند و اخبار و مرویاتی مطرود و غیر قابل پذیرش هستند که مخالف با این دو باشند و اخباری که نه دلیلی بر ردشان وجود دارد و نه بر قبولشان، اخباری هستند که از جهت عقل دلیلی بر محال بودنشان نباشد و از نظر نقل یعنی کتاب و سنت قطعی نیز دلیلی بر منعیان نیست و بدین گونه اشکال برخی از افراد بر عدم صحّت اسانید این منقولات آشکار می‌شود، زیرا عدم صحّت سند مادامی که متن آن منافاتی با عقل یا نقل صحیح نداشته باشد، موجب طرح و ردّ آن نیست.^(۱)

هاشم معروف حسنی نیز در این زمینه می‌گوید: بنابه دلایلی ضعیف بودن روایت از نظر سند بنابر اصول و قواعد علم رجال و درایه، موجب رها کردن و طرح آن نمی‌شود، آن دلائل و قرائن عبارتند از:

- ۱ - محاط بودن روایت به قرینه‌هایی که صدور آن را از امام تایید می‌کند.
 - ۲ - وجود روایت در کتب معتبر و نزد راویان طبقه اول.
 - ۳ - متواتر بودن معنای روایت، اگر چه تواتر معنوی باشد.
 - ۴ - سازگار بودن مضمون روایت با ظاهر قرآن و سنت.
- و قرینه‌هایی دیگر از همین قبیل که موجب اطمینان به صدور آن از معصوم (ع) می‌شود، به همین دلیل متقدمان علی رغم ضعف روات، چنین روایاتی را که قابل اعتماد و وقوف‌اند، صحیح نامیده‌اند.^(۲)

۱ - محمد حسین، طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، قم، منشورات جامعه المدرسین فی الحوزة العلمية،

ص ۲۹۳.

۲ - هاشم، معروف حسنی، دراسات فی الحدیث و المحدثین، پیشین، ص ۳۴۴ - ۳۴۵ و الموضوعات فی

الاخبار و الاثار، پیشین، ص ۷.

۴ - ارزیابی متون احادیث در «علم درایه»

در گفتار قبل آورده شد، که پیدایش و تکامل علوم حدیث در پی تدوین و تنظیم عالمانه جوامع روایی، نقش بسزایی در بهره‌گیری شایسته از منابع غنی و سرشار حدیث و گامی بلند در زدودن اخبار نادرست و پیراستن آفات مختلف از این ذخائر عظیم و ارزشمند دینی بود و شاید بتوان گفت که با فاصله گرفتن از عصر حضور ائمه معصومین (ع) و از بین رفتن بسیاری از قرائنی که دلیلی بر صحت و حجیت برخی از اخبار بودند و نیز عوامل دیگری مانند صدور پاره‌ای از احادیث در مقام تقیه و اضطرار، ورود شماری از اخبار جعلی و ساختگی به جوامع روایی و... دانشمندان اسلامی و بویژه فرزندان شیعه که هیچ‌گاه باب اجتهاد را بر خود مسدود نساختند، چاره‌ای جز ابداع این علوم، موازین، ملاکها و روشهایی خاص و علمی، برای بهره‌برداری از سنت به عنوان دومین منبع معارف اسلامی نداشتند. بعد از ابداع و تکامل موازین علم رجال که نقشی در خور در نقد و ارزیابی احادیث دارد و آن چنان که اشاره شد، علاوه بر نقد سند و احوال راویان، به نقد متن نیز بگونه‌ای پرداخته است، شاخه‌ای دیگر در علوم حدیث با عنوان درایه الحدیث پدید آمد که باعث تحولی شگرف در نقد و ارزیابی حدیث گردید.

علم درایه، که عده‌ای آن را «اصول الحدیث» نیز نامیده‌اند، علمی است که به سند حدیث و متن آن و چگونگی فراگرفتن و آداب نقل حدیث می‌پردازند و عوارضی را که از جانب سند کلی - و نه آحاد راویان - و نیز عوارض ناشی از متن را که بر حدیث عارض می‌شوند، مورد بررسی قرار می‌دهد.^(۱) این علم که در میان شیعه نخستین بار در اواخر قرن هفتم هجری پدید آمد و ابداع آن را به ابن طاووس احمد بن موسی حلّی (۶۷۳ ه. ق) و علامه حلّی حسن بن یوسف بن علی بن مطهر (۷۲۶ ه. ق) نسبت داده‌اند،^(۲) آن چنان که از تعریف

۱ - آقا بزرگ، تهرانی، پیشین، ج ۸، ص ۵۴، و علی بن احمد، عاملی، الدرایة فی علم مصطلح الحدیث، چاپ

اول، نجف، مطبعة التعمان، ۱۴۰۹ ه. ق، ص ۵.

۲ - سید حسن صدر، تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام، چاپ سوم، بغداد، مرکز النشر و الطباعة العراقية، ۱۴۰۵، ص

آن بر می آید، علاوه بر شناخت کلی سند حدیث به ارزیابی متن آن عنایت خاصی دارد، و با توجه به موضوع این علم که آن را سند و متن حدیث دانسته‌اند و فائده و غرض آن که معرفت و شناسایی احادیث مقبول و مردود عنوان شده است و نیز بخش قابل توجهی از اصطلاحات این علم که مستقیماً یا غیر مستقیم به متن حدیث و عوارض و حالات ناشی از آن پرداخته‌اند، روشن می‌گردد که علم درایه نیز مجالی وسیع و گسترده برای نقد متن حدیث، پیرایش و تهذیب آن بوده است و دانشمندان شیعه با پژوهشهای گسترده خود در این عرصه سهم درخوری در صیانت از کیان سنت معصومین (ع) داشته‌اند.

شمار زیادی از اصطلاحات علم درایه برای شناسایی احادیث، با توجه به ویژگیهای متنی آنها تعریف و ابداع شده‌اند، که بارزترین آنها به عنوان نمونه آورده می‌شود:

۱ - تقسیم احادیث از نظر منشاء صدور: دانشمندان علم درایه متون احادیث را از نظر منشاء صدور آن نیز به سه دسته کلی تقسیم کرده‌اند، آن چنان که از جنبه‌های مختلف دیگری، آنها را به عناوین خاص و گوناگونی نامیده‌اند.

الف) «حدیث قدسی»: کلام خداوند است که از انبیاء یا اوصیاء آن را حکایت کند، مانند «الصوم لی و انا اجزی به» و تفاوت اصلی آن با آیات قرآن این است که قرآن در مقام تحدی و در حد اعجاز است ولی حدیث قدسی دارای این ویژگی نیست.^(۱)

ب) «حدیث نبوی»: حدیثی است که متن آن از پیامبر اکرم (ص) صادر شده باشد.
ج) «حدیث ولوی»: حدیثی است که متن آن از معصومین (ع) دیگر صادر شده باشد.
۲ - «خبر متواتر»: همچنان که کثرت راویان و شرائط خاصی در سند باعث رسیدن خبری به حد تواتر می‌شود، متن و مضمون یک خبر نیز می‌تواند با شرائطی افاده تواتر کند، آن چنان که در علم درایه در تقسیم بندی سه نه اخبار متواتر بدان تصریح شده است.

الف) «متواتر لفظی»: خبری است که متن و مفاد آن در روایات زیادی با الفاظ همانند و یکسان نقل شده باشد، که البته این گونه خبر در جوامع روایی بندرت یافت می‌شود.

ب) «متواتر معنوی»: آن است که مفاد و مفهوم مشترک و التزامی چند خبر به حد

تواتر برسد، یعنی احادیثی گوناگون بر مفهومی خاص دلالت کنند، مانند شجاعت حضرت امیر المؤمنین (ع)، که با منقولات فراوان و گوناگونی از جنگهای مختلف آن جناب به حد تواتر رسیده است.

(ج) «متواتر اجمالی»: آن است که اخبار موضوعی در حد تواتر ولی دامنه شمول آنها بر آن موضوع متفاوت باشد، در این صورت قدر مشترک حاصل از آن اخبار مختلف الدلاله را متواتر اجمالی گویند، مانند روایات حجیت خبر واحد که مضامین مختلفی دارند و هر حدیثی امری را در آن شرط دانسته است که در میان آن مضامین که برخی اعم و برخی اخص هستند قدر متقین مضمون اخص، یعنی حجیت خبر عادل، متواتر و پذیرفتنی است.

۳ - «خبر واحد محفوف به قرائن»: پاره‌ای از قرائنی که بر صحت و حجیت خبر واحد دلالت می‌کند، مستقیماً مربوط به متن آن می‌شود.

۴ - حدیث صحیح و ضعیف: همچنان که قبلاً آورده شد محدثان و نیز دانشمندان علم درایه، در تقسیم بندی احادیث آحاد به صحیح و ضعیف، تنها به نقد اسنادی آنها بسنده نمی‌کنند. بلکه با نقد متن، گاهی حدیثی را در عین صحت سندش به علت ضعف متن آن، غیر صحیح قلمداد می‌کنند، عللی مانند وهم، سهو و نسیان راویان و یا صدور آن در مقام تقیه ممکن است، متن حدیث را از درجه صحت و حجیت علی رغم صحت سندش خارج سازد و در مقابل احادیثی را در عین ضعف اسنادشان، صحیح و دارای حجیت می‌دانند، چه آن که متن آنها موافق احادیث متعدد و مشهور دیگری است که صحت آنها به ثبوت رسیده است، پس ملاک تقسیم احادیث آحاد به صحیح و ضعیف تنها، صحت یا ضعف سند آنها نیست، بلکه ارزیابی متن حدیث نیز کاملاً در آن دخیل است.

(۵) «غریب اللفظ»: حدیثی است که لفظی مشکل و نا مانوس در متن آن به کار رفته

باشد، توضیح آن، در گفتار بعد، در ضمن بحث از فقه الحدیث خواهد آمد.

(۶) «حدیث مدرج»: حدیثی است که راوی کلام خود یا کلام بعضی از راویان را در متن حدیث درج نماید، بگونه‌ای که با سخن معصوم (ع) مشتبه شود، چه این عمل به عنوان شرح و توضیح حدیث انجام گیرد و چه به عنوان استشهاد به آن، البته گاهی ادراج در سند حدیث نیز واقع می‌شود و در هر صورت تعدد در آن حرام است.

(۷) «حدیث مشهور و شاذ»: مشهور حدیثی است که مضمون آن بین محدثین شایع و مشتهر باشد و همچنین خبر مشهور بین محدثین، مفسرین، فقها و عرفاء را نیز شامل می‌شود ولی اگر فقط نزد غیر محدثین مشهور باشد ملحق به ضعیف است، خبر مخالف مشهور را شاذ و گاهی نادر می‌نامند.

(۸) «حدیث مصحّف»: حدیثی است که در متن یا سند آن بخاطر شباهت کلمات یا قرابت حروف تغییر حاصل شده باشد و منشاء و علل این تغییر غالباً خطاء در سماع یا روایت است، گاهی نیز تصحیف در معنی و مفاد حدیث رخ می‌دهد.

(۹) «حدیث معروف و منکر»: معروف حدیثی است که مضمون آن نزد راویان، محدثان و علماء اشتهار داشته باشد و منکر حدیثی است که مضمون آن بین محدثین و علماء شناخته شده نیست، شهرت در حدیث مشهور غالباً به اعتبار طریق و سند ولی در معروف به اعتبار متن آن است و نیز معروف نوعاً در مقابل و معارض حدیث منکری عنوان می‌شود ولی مشهور اعم است.

۱۰ - مزیه: حدیثی است که در متن یا سند آن چیزی افزوده شده باشد که در حدیث همان آن نیست، زیادی متن اگر از ثقه باشد و با حدیث دیگری تعارض پیدا نکند، مورد قبول است و در غیر این صورت احکام باب تعارض در آن جاری می‌گردد.

۱۱ - «معتبر»: حدیثی است که بر حجّیت آن دلیل اقامه شده و همه یا بیشتر فقهاء به آن عمل کرده و بر طبق مضمون و مفهوم آن فتوی داده‌اند.

۱۲ - «مکاتب»: حدیثی است که از نوشته معصوم (ع) نقل شود، مانند آنچه امام (ع) در پاسخ به سؤالات اصحاب نوشته‌اند، خواه به خط شخص امام و خواه به خط دیگری و املاء امام باشد.

۱۳ - «مقبول»: حدیثی است که علماء و فقهاء مضمون آن را پذیرفته و طبق آن عمل کرده باشند، نوعاً این اصطلاح در احادیثی که به صحّت اصطلاحی موصوف نیستند، استعمال می‌شود.

۱۴ - «مطروح»: حدیثی است که مخالف دلیل قطعی و غیر قابل تأویل باشد.

۱۵ - «متروک»: حدیثی است که ناقل آن متهم به کذب و متن و مضمون آن نیز

برخلاف قواعد و ادله و از طریق دیگری روایت نشده باشد.

۱۶ - «مؤول»: حدیثی است که مضمون آن مخالف دلیل قطعی باشد ولی بواسطه قرینه حالیه یا مقالیه، دلیل عقلی یا نقلی بر خلاف ظاهر حمل شده و به معنای قابل جمع با ادله دیگر تأویل شود.

۱۷ - «مشکل»: حدیثی است که شامل الفاظ با معانی مشکله باشد، تفصیل بیشتر آن در گفتار فقه الحدیث خواهد آمد.

۱۸ - «مضطرب»: حدیثی است که متن یا سند آن مختلف، یعنی دو یا چند گونه نقل شده باشد.

۱۹ - «معلل»: نزد محدثین حدیثی است که مشتمل بر ضعفی در متن یا سند باشد، بگونه‌ای که موجب خلل در اعتبار حدیث شود، گاهی حدیث معلل در لسان محدثین را معلول نیز نامیده‌اند، اما در لسان فقهاء حدیثی را گویند که متضمن علت حکم باشد، مانند تعلیل حرمت شرب خمر به اسکار.

۲۰ - «مقلوب»: حدیثی است که عبارتی از متن پس و پیش، یا بعضی از الفاظ متن جابجا و مقدم و مؤخر شده باشد.

۲۱ - ناسخ و منسوخ، «مجمل و مبین» و اصطلاحات دیگری که تفصیل آن در علم اصول فقه آمده است.^(۱)

یکی از نشانه‌های دقت و حساسیت محدثین و دانشمندان «علم درایه» به ارزیابی کیفیت متن حدیث و نقد آن. اهتمام به شناسایی «طرق و روشهای تحمل و اخذ حدیث» از سوی راویان و ارزش‌گذاری میزان اعتبار هر یک از آنهاست، امری که در نقد متون روایی بویژه در مقام اختلاف در تعارض، مفید فائده خواهد بود.

این طرق و روشها به طور خلاصه به عناوین هشت‌گانه «سماع، قراءت، اجازه، مناووله، کتابت، اعلام، وصیت و وجاده» تقسیم گردیده‌اند.

به عنوان نمونه در مقام ارزیابی و ارزش‌گذاری متون روایی، بهترین نوع تحمل و

اخذ حدیث را سماع مستقیم از استادی دانسته‌اند که نحوه اداء کلمات را نیز می‌آموزاند و یا مشافهه را بر مکاتبه برتری داده‌اند، زیرا بنا بر تصریح دانشمندان «درایه»، اگر حدیثی نقل به لفظ و حدیث دیگری با مضمونی مشابه ولی نقل به معنی باشد، در مقام تعارض، منقول لفظی بر منقول معنوی رجحان و برتری دارد، البته در صورتی که ناقل به معنا، به ضوابط آن آگاه و بصیر باشد، حدیث دیگر را بر آن مزیتی نخواهد بود و از مجاحات دیگر باید استفاده گردد.^(۱)

اینها همه، بیان‌کننده اهتمام فراوان محدثین برای دستیابی به سرچشمه‌های زلال معصومین (ع) و نیز نقش «علم

درایه» در این امر مهم یعنی پرداختن به نقد متون روایی است.

۵ - فقه الحدیث، نهایت اهتمام محدثین شیعه به نقد متون روایی

محدثان اسلامی، اعم از شیعه و اهل سنت، بعد از طی مراحل مختلف جمع و تدوین حدیث، که در نهایت به پدید آمدن جوامع روایی مانند صحاح سته، موطا ابن مالک و مسند ابن حنبل و دیگر کتب حدیث در میان اهل سنت و کتب اربعه و جوامع ثلاثه در میان شیعه انجامید و با برداشتن گامهای بلند دیگری در پیراستن سنت شریف از پیرایه‌های بسته بر آن و ابداع علوم مختلف حدیث مانند علم رجال و درایه الحدیث، در آخرین گام شرح، توضیح و تبیین متون و مضامین مرویات و احادیث را سرلوحه کار خویش قرار دادند تا علاوه بر فهم درک صحیح از سنت معصومین (ع)، با نقد متون روایات، پس از نقد اسناد آنها، احادیث و روایاتی را که علی‌رغم صحت سند، به دلیل هماهنگی با دیگر احادیث معتبر یا ادله شرعی، قابل اعتماد هستند. شناسایی و به جامعه علمی و پژوهشگران اسلامی معرفی کنند و بدین گونه باز بر غنای سنت معصومین (ع) و معارف اسلامی متکی بر مرویات آن بزرگواران، بیش از پیش بیفزایند.

۱ - حسین بن عبد الصمد، عاملی، وصول الاخبار الی اصول الخبر، قم، مجمع الذخائر الاسلامیه، ۱۴۰۱ ه. ق.

و بدین گونه علمی دیگر به علوم حدیث افزوده شد که با توجه به خصوصیات خاص خود به «فقه الحدیث» نامبردار گردید.

فقه در لغت به معنای فهم و درک عمیق و دقیق استعمال گردیده و «فقه الحدیث» اصطلاحاً، علمی است که توضیح و تبیین متون و مضامین روایات و احادیث را عهده‌دار است، به عبارت دیگر، رسالت و وظیفه این علم، پرداختن تام تمام به متن حدیث و ارزیابی تمام عیار آن است.

فقه الحدیث، خود به بخشها و شاخه‌های متعددی تقسیم می‌گردد، که در این جا به اهم آنها اشاره می‌شود.

۱- «شرح متن حدیث»

۲- شناخت الفاظ غریب و تبیین مضامین مشکل حدیث

۳- شناخت حدیث ناسخ و منسوخ

۴- شناخت حدیث محکم و متشابه

۵- شناخت اسباب ورود حدیث

۶- شناخت احادیث مختلف و متعارض

البته قبل از هر کس، قرآن مجید و معصومین (ع)، به تفقه و تدبیر در مفاهیم اخبار و مرویات، بخصوص احادیث حاکی از سنت پیامبر (صل)، امرای مسلمین را بدین کار ترغیب و ارشاد فرموده‌اند، و در پی این ارشادات و فرامین، دانشمندان اسلامی بویژه محدثین و محققین شیعه، با نگاشتن شروح گوناگون و مبتنی بر قواعد علمی بر روایات و احادیث، به تبیین مشکلات اخبار و توضیح کلمات و الفاظ غریب و نا آشنا و کشف علت و دلیل ورود و صدور حدیث و بیان ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، مجمل و مبین، مطلق و مقید، عام و خاص و دیگر حالات و ویژگیهای روایات گوناگون پرداختند.

بیشتر قواعد، مبانی اصول فقه الحدیث در علم اصول فقه، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. زیرا عمده کتب روایی ما به جمع، تدوین و تبویب احادیث فقهی پرداخته‌اند و دانشمندان شیعه نیز به علت حساسیت استنباط احکام شرعی به شرح، توضیح و تبیین این گونه روایات، عنایت افزونتری داشته‌اند، هر چند که در شروحنی که بر کتابهایی چون کافی، وافی و

بحار نگاشته شده است، دیگر روایات نیز مورد تجلیل و توضیح قرار گرفته و با اصول و مبانی خاص خود، تبیین گردیده‌اند.

۱-۵- شناخت الفاظ غریب حدیث

اولین گام در شرح متون روایی، توضیح و تبیین الفاظ و کلمات غریب و نامفهوم بود، همان گونه که در گفتار «درایة الحدیث» و تعریفات اصطلاحات مربوط به آن آوردیم، «غریب اللفظ»، در عرف روایات و محدثین حدیثی است که متن آن مشتمل بر لفظی غماض و دور از فهم باشد،^(۱) الفاظی که یا اکنون، کمتر به کار می‌روند و یا معنی و مفهوم دیگری در زمان صدور حدیث، داشته‌اند و یا دلائل مشابه دیگری که محدثین را برای فهم صحیح متون روایی ملزم به رعایت نهایت دقت در شناسایی این گونه الفاظ و پژوهش گسترده برای کشف معانی واقعی آن نمود.

«شناسایی الفاظ غریب»، مختص علوم حدیث نبوده و پیش از آن مفسران قرآن کریم، برای درک صحیح مفاهیم آیات قرآن، آن را ابداع و بدان پرداختند و آن چنان در این امر اهتمام داشتند که گاهی برای فهم معنی اصل یک کلمه، راه بادیه را پیش می‌گرفتند، تا در دل صحرای سوزان از اعرابی که هنوز اصالت زبان خویش را حفظ کرده بودند، مفهوم لفظ غریبی را جویا شوند.

اما سرانجام ثمره این تلاشها که همیشه در مراحل اولیه، سینه به سینه و شفاهی منتقل می‌گردید، برای بهره‌گیری آیندگانی که از دوران صدور حدیث بسی دور افتاده و برای فهم الفاظ و کلمات غریب آن، راهی جز مراجعه به میراث ادبی به جا مانده از گذشتگان ندارند، جمع و تدوین شد.

۲-۵- تبیین مشکلات اخبار

گام دیگر محدثان در «فقه الحدیث»، تبیین و توضیح متون و مضامین احادیثی بود که

متضمن معانی و مفاهیمی هستند که جز برای عارفان و آشنایان با معارف الهی و بیان معصومین (ع)، میسر و ممکن نیست و همان گونه که قبلاً آورده شد، به این چنین احادیثی در علم درایه، اصطلاحاً «حدیث مشکل» می‌گویند.^(۱)

۳-۵- شروح متون روایی، عرصه گسترده فقه الحدیث

علاوه بر تألیفات ویژه و مستقل در «شناخت الفاظ غریب» و «تبیین احادیث مشکل»، محدثان شیعه در تألیفات جامع و متعددی، بیشترین اهتمام خود را به «شرح متون روایی» اختصاص داده‌اند و در خلال این شروح به توضیح لغات و کلمات غریب احادیث، تبیین و تشریح مفاهیم و مضامین مشکل آنها، تشخیص ناسخ از منسوخ، محکم از متشابه، مطلق از مقید، مجمل از مبین، عام از خاص نص و ظاهر و دیگر خصوصیات متون روایی و حل تعارضات احتمالی بین آنها پرداخته، مورد و سبب صدور هر یک را بیان کرده، و در بیشتر موارد، استناد و متون روایات را با اصول مسلم عقلی یا نقلی و دیگر معیارهای ارزیابی صحت و حجیت، سنجیده، از خلال مفاد آن، احکام اعتقادی، عملی و اخلاق را استخراج و در پاره‌ای از موارد نیز قاطعانه روایاتی را رد و طرد نموده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

۱- قرآن کریم

۲- ابوری، محمود، اضواء علی السنة المحمدية، چاپ پنجم، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۹.

۳- ادلی، صلاح الدین احمد، منهج نقد المتن عند علماء الحدیث النبوی، چاپ اول، بیروت، منشورات دارالافتاء الجدیدة،

۱۴۰۳ ه. ق.

- ٤ - بهودی، محمد باقر، معرفة الحديث، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ١٣٦٢.
- ٥ - نهرالی، آقا بزگ، الذريعة الى تصانيف الشيعة، جلد ١٠، قم، مؤسسه اسماعيليان، بی تا.
- ٦ - حسني، هاشم معروف، در اسارت في الحديث و المحدثين، چاپ اول، بيروت، دارالانصواء، ١٤١٠ هـ.ق.
- ٧ - حسني، هاشم معروف، الموضوعات في الاخبار و الآثار، چاپ اول، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٢ هـ.ق.
- ٨ - صدر، سيد حسن، تأسيس الشيعة لعلوم الاسلام، چاپ سوم، بغداد، مركز النشر و الطباعة العراقية، ١٤٠٥ هـ.ق.
- ٩ - طباطبائي، محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، جلد ١، چاپ اول، قم، مشورات جامعة المدرسين في الحوزة العلمية.
- ١٠ - عاملي، حسين عبد الصمد، وصول الاخبار الى اصول الاخبار، چاپ اول، قم، مجمع الذخائر الاسلاميه، ١٤٠٤ هـ.ق.
- ١١ - عبد الباقي، محمد فواد، المعجم المفهرس للفاظ القرآن الكريم، چاپ سوم، قاهره، دارالحديث، ١٤١١ هـ.ق.
- ١٢ - غفاري، علي اكبر، تلخيص مقياس الهداية، چاپ اول، تهران، جامعة الامام الصادق (ع)، ١٣٦٩.
- ١٣ - كليسي، محمد بن يعقوب، الكافي، جلد ١، چاپ سوم، قم، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٣.
- ١٤ - مجلسي، محمد باقر، بحار الانوار، جلد ١، چاپ چهارم، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٠.
- ١٥ - مدير شانه چي، كافلم، علم الحديث و دراية الحديث، چاپ سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٣٦٩.
- ١٦ - معارف، مجيد، پژوهشي در تاريخ حديث شيعة، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگي ضريع، ١٣٧٤.
- ١٧ - ميرداماد، محمد باقر، الروائح السماوية، جلد ١، چاپ اول، قم، مشورات، مكتبة آيت اله العظمي مرعشي نجفي،

١٤٠٥ هـ.ق.